

زَرِّینِ قَبانامه

(منظوم پهلوانی و پیرو شاهنامه از عصر صفویّه)

براینده: ناشناس

مقدمه، تصحیح و تعلیقات:

دکتر سجاد آمینا

(دانشیار دانشگاه پیام نور)



www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور	زیرین قبانامه: منظومه‌ای پهلوانی و پیرو ششنامه از مصطفی رفیعی / سراینده ناشناس؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات سجاد سجادی
مشخصات نشر	تهران: سخن، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۴۴۰ ص.
شابک	۶ - ۶۸۳ - ۳۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۰ ق
موضوع	منظومه‌های حماسی -- قرن ۱۰ ق.
شناسه افزوده	آیدنلو، سجاد، ۱۳۵۹ - ، مصحح، مقدمه‌نویس
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۳ زف / PIR۵۸۵۱
رده‌بندی دیویی	۸۶۱ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	۳۴۴۳۴۲۵



مطبوعات سخن
خیابان مصلح، خیابان دانشگاه
خیابان وحیدنظری، شماره ۴۸
فک ۸۷۵-۶۴۶
www.sokhanpub.com
mailto:info@sokhanpub.com

زَرین قبا نامه (منظومه‌ای پهلوانی و پیرو شاهنامه در عصر صفویه)

مُراپنده: ناشناس

مقدمه، تصحیح و تعلیقات:

دکتر سجاد آیدنلو

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: صدف ۸۸۳۰۵۳۳

چاپ: گلرنگ یکتا

شابک ۶-۶۸۳-۳۷۲-۹۶۴-۹۷۸

تلفن تماس برای تحویل کتاب در منزل و محل کار:

۶۶۹۵۳۸۰۴-۶۶۹۵۳۸۰۵

فهرست

۳۱	یادداشت آغازین.....
۳۵	مقدمه.....
۳۸	نام منظومه.....
۴۰	سراینده.....
۴۳	زمان نظم.....
۴۶	موضوع زرین قبانامه.....
۵۴	مأخذ منظومه.....
۵۸	کیفیت نظم.....
۶۵	برخی ویژگی‌های سبکی.....
۶۵	الف) نکات زبانی.....
۶۶	۱. دو.....
۶۷	۲. چست.....
۶۷	۳. شِگفت.....
۶۸	آبیر:.....
۶۹	اسلیحه:.....
۶۹	بگده:.....
۶۹	پَرخَش:.....

۶۹	پژشک:
۷۰	تیک:
۷۰	تریدن:
۷۱	جنگاه:
۷۲	حمیده:
۷۲	س:
۷۲	درخت:
۷۳	درخت:
۷۳	دل سیفته:
۷۴	رام الخیال:
۷۴	ریشه:
۷۴	ریشیدن:
۷۵	زو:
۷۵	سارنج:
۷۵	شیرسر:
۷۵	غشته:
۷۶	فراح:
۷۶	فره:
۷۶	کفتن:
۷۷	کویزه / کویژه:
۷۸	گروود:
۸۰	میرا:
۸۰	ناهوموار:
۸۱	هرسه وان:

بز آویز:	۸۱
تنگ شکر:	۸۱
شتر غلط‌بندی:	۸۱
کَلَه زنگی:	۸۲
لِنگ کمر:	۸۲
مقراضه:	۸۲
رومین / رومینه / رومیّه:	۸۲
۲. ریزه:	۸۳
۳. نقوله:	۸۳
ب) مسائل دستور:	۸۴
ج) بلاغت:	۸۷
جدول استعاره‌های مصرع‌های زَرین‌قَبانامه:	۹۳
فهرست استعاره‌های مکنیه:	۹۹
جدول تشبیهات متن:	۱۰۰
د) سه نکته موضوعی / اندیشگی:	۱۲۷
زَرین‌قَبانامه و شاهنامه:	۱۲۹
۱. آوردن عین بعضی مصراعها و بیت‌های شاهنامه:	۱۳۰
۲. تأثر و تقلید زبانی:	۱۳۳
۱-۲. واژه‌ها:	۱۳۳
۲-۲. ترکیبات:	۱۳۳
۳-۲. عبارات و کنایات:	۱۳۴
۴-۲. ویژگی‌های دستوری و تلفظی:	۱۳۴
۳. صور خیال:	۱۳۴
۴. تقلید از مصراعها و ابیات شاهنامه:	۱۳۴

- نکات داستانی ۱۳۷
- الف) عناصر سامی و اسلامی ۱۳۸
۱. حضور و نقش حضرت سلیمان(ع) ۱۴۰
۲. معاصرت و اختلاط شاهان و پهلوانان با پیامبران ۱۴۱
۳. معتقدات سامی و اسلامی اشخاص داستانی ۱۴۳
- ب) ماراب، نادر و یگانه ۱۴۵
۱. رد کیوشان با گیومرث و گرفتاری به دست تهمورث: ۱۴۵
۲. باری سیمرغ به تهمورث برای بستن دیوان: ۱۴۵
۳. دخیل ساختن کرشاسپ در هند به سفارش سیمرغ: ۱۴۶
۴. گرفتن نریمان با کمر رویین تن را: ۱۴۶
۵. نبرد رستم و عید دیو ۱۴۶
۶. نبرد رستم و کهلان: ۱۴۶
۷. نبرد رستم و گرگساران: ۱۴۷
۸. کشتن تهمتن، رستم یک دست را: ۱۴۷
۹. کشتن رستم، هژیرافکن پسر رستم یک دست را: ۱۴۸
۱۰. نوادر نبردهای فرامرز: ۱۴۸
۱۱. بردن سیمرغ، برزو را به نبرد زرقام دیو و کشتن او: ۱۴۹
۱۲. کشته شدن برزو به دست انکیس دیو: ۱۵۰
۱۳. نبرد تمور با انکیس دیو و شکستن طلسم او: ۱۵۰
۱۴. جهان‌بخش نوه فرطورتوش: ۱۵۰
۱۵. نبرد جهان‌بخش و قهقهام: ۱۵۱
۱۶. کشتن جهان‌بخش، طراقوس را: ۱۵۱
- ج) موضوعات و مضامین دیگر ۱۵۲
۱. از مشابهات جمشید و سلیمان(ع): ۱۵۲

۲. برف‌آوری جادوگر با افسون: ۱۵۲
۳. پر سیمرخ بر کلاهخود پهلوان: ۱۵۳
۴. پیکرگردانی جادوان به هفتاد صورت: ۱۵۴
۵. پیکرگردانی دیو به ابر: ۱۵۶
۶. رابطه فلزات و رنگها با سیارات: ۱۵۷
۷. م‌پذیری روین‌تن با وسیله‌ای ویژه: ۱۵۸
۸. رزم‌نم‌ناپذیر گیومرث: ۱۵۹
۹. راجیه بازوین حافنا: ۱۶۰
۱۰. شیرمار: ۱۶۲
۱۱. کریمان: ۱۶۳
۱۲. گذشتن رستم از هرمنط: ۱۶۵
- (د) الگوگیری از داستانهای دیگر: ۱۶۶
- دست‌نویسهای زَرین‌قبانامه: ۱۶۹
۱. نسخه کتابخانه ملی ایران (با نشانه اختصاری: ۱): ۱۷۰
۲. دست‌نویس اول کتابخانه مجلس (با نشانه اختصاری: ۲): ۱۷۲
۳. دست‌نویس دوم کتابخانه مجلس (با نشانه اختصاری: ۳): ۱۷۴
- آغاز داستان ۱۸۳
- ایلچی فرستادن حضرت سلیمان به نزد شاه کیخسرو تاجدار از جهت دین و آیین: ۱۸۶
- مناظره کردن شاه کیخسرو تاجدار به ایرانیان از جهت کار سلیمان پیغمبر علیه‌السلام: ۱۸۹
- لشکر آراستن زَرین‌قبای جوان بر سر ایرانیان گوید: ۱۹۰
- رسیدن زَرین‌قبا به اسطخر زمین فارس و نامه فرستادن کیخسرو تاجدار به نزد رستم: ۱۹۳
- در لشکر کشیدن ایرانیان و گودرزیان بر سر دیوان و پریان سلیمان علیه‌السلام: ۱۹۵
- نامه فرستادن گودرز پیر نزد زَرین‌قبای نامدار گوید ۱۹۷

- ۱۹۹ رزم زَرین قبا با گردان ایران زمین گوید
- ۲۰۰ میدان داری بیژن نامدار و آمدن فولاد دیو پیل دندان به میدان بیژن و جنگ ایشان را گوید.
- ۲۰۲ کشته شدن فولاد دیو به دست بیژن و رزم کلل‌پری با بیژن و انداختن بیژن یک دست او را...
- ۲۰۴ آمدن زَرین قبا با میدان بیژن و جنگ کردن با بیژن نامدار گوید
- ۲۰۶ رزم کردن بیژن با زَرین قبا در میدان کارزار گوید
- ۲۰۸ در کشتی‌داری بیژن به دست زَرین قبا ی جوان گوید
- ۲۱۰ اسباب کردن همایون خواهرزاده گودرز پیر به گودرز که او را اجازت میدان دهد و...
- ۲۱۲ در گرفتاری همایون در دست زَرین قبا و مبارز خواستن و پیغام فرستادن گودرز...
- ۲۱۴ در آوردن دیو همایون و بیژن را به بارگاه زَرین قبا و حرف زدن با بیژن که از جهت دین و...
- ۲۱۶ نامه فرستادن گودرز به شاه کیخسرو تاجدار گوید
- ۲۱۸ نامه فرستادن کیخسرو تاجدار به جهان پهلوان رستم نامدار گوید
- ۲۲۰ پذیره شدن شاه کیخسرو با ایران به رستم و دریافتن رستم را...
- ۲۲۲ فرستادن رستم، فرامرز به نزد گودرز
- ۲۲۳ آگاهی یافتن زَرین قبا از آمدن فرامرز نامدار گوید
- ۲۲۶ ایلچی فرستادن فرامرز به نزد زَرین قبا و جواب دادن جنگ زَرین قبا او را
- ۲۲۷ رسیدن رستم به میدان کارزار و پیغام فرستادن نزد زَرین قبا جوان گوید
- ۲۳۰ رفتن رستم با زال به بیت المقدس به پیش حضرت سلیمان علیه السلام گوید
- ۲۳۱ مناظره کردن سیمرغ با رستم و آمدن به نزد سلیمان و از آمدن رستم خبر دادن گوید
- ۲۳۳ مناظره حضرت سلیمان با زال و رستم و سخن گفتن با رستم از جهت دین
- ۲۳۵ پاسخ دادن رستم، سلیمان را از جهت شبهه نمودن او گوید
- ۲۳۷ فرستادن سلیمان علیه السلام رستم را به کوه قاف به جنگ عفریت دیو گوید
- ۲۳۹ رفتن تهمتن زمان نهنگ ممالک ایران تاج [و] باج گیرنده از روم و هندوستان
- ۲۴۲ در گرفتار شدن رهام بن گودرز عموی بیژن برادر گیو نامدار به دست زَرین قبا ی جوان گوید
- ۲۴۴ رزم کردن زَرین قبا ی نامدار با گیو دلیر نامدار داماد رستم زال تهمتن زمان

- داستان رزم کردن فرامرز پیلتن با زَرین قباى نامدار گوید. ۲۴۶
- داستان در ملاقات کردن فرامرز دلیر با زَرین قباى نامدار گوید. ۲۴۸
- رزم فرامرز با زَرین قباى نامدار گوید. ۲۴۹
- در بازگشتن فرامرز از رزم و رفتن به لشکرگاه خود گوید. ۲۵۱
- در رفتن الماس به لشکر زَرین قبا به خلاصی یاران و دیدن قاروس دیو را گوید. ۲۵۳
- رفتن بهر و الماس به لشکر دیوان به خلاصی یاران گوید. ۲۵۵
- در گرفتن شدن بهرام به دست زَرین قباى جوان گوید. ۲۵۸
- در آمدن جهان بخش به میدان کارزار به جنگ زَرین قباى نامدار گوید. ۲۶۲
- در هم زبانی جهان بخش و میدان کارزار با زَرین قباى نامدار گوید. ۲۶۳
- در جنگ کردن جهان بخش و قباى نامدار در میدان کارزار گوید. ۲۶۶
- زخم زدن زَرین قباى نامدار جهان بخش و زخم زدن جهان بخش او را گوید. ۲۶۸
- در فرستادن زَرین قبا، گودرزبان و پیش حضرت سلیمان علیه السلام گوید. ۲۷۰
- بازگشتن جهان بخش از رزم و رفتن به یک سو گوید. ۲۷۲
- راز گفتن سروش به گوش شاه کیخسرو نیک و دست یافتن گوید. ۲۷۳
- خلعت دادن حضرت سلیمان علیه السلام گودرزبان را گوید. ۲۷۶
- نامه فرستادن رستم به نزد عفریت دیو و ایلچی کیانوش به عفریت دیو گوید. ۲۷۷
- در مناظره کیانوش با عفریت دیو گوید. ۲۷۹
- در گرفتار شدن کیانوش در بارگاه به دست عفریت دیو گوید. ۲۸۱
- خبردار شدن رستم از گرفتاری کیانوش و کشته شدن فیروز. ۲۸۲
- فرستادن عفریت سرخاب را بر سر رستم پهلوان. ۲۸۱
- در آمدن سرخاب به جنگ رستم زال و ملاقات ایشان گوید. ۲۸۶
- کشته شدن سرخاب دیو به دست رستم پیلتن گوید. ۲۸۸
- در اضطراب کردن عفریت دیو از کشته شدن سرخاب و فرستادن کوپال دیو را. ۲۹۰
- در آمدن کوپال دیو به جنگ رستم نامدار و جنگ کردن با رستم زال زر گوید. ۲۹۲

- جنگ کردن هزبر بلا با نقابدار و گرفتن نقابدار، هزبر بلا را ۴۱۲
- میدان داری قارن به شمیلاس پسر رستم یک دست و آمدن جوان نقابدار و ۴۱۴
- در احوال گرفتن نقابدار از قارن پیر پسر کاوه آهنگر گوید ۴۱۸
- گفتار در بیان کردن قارن پیر با نقابدار در احوال سلیمان را و رفتن رستم به کوه قاف گوید ۴۲۱
- در نامه نوشتن خاقان چین به نقابدار نامدار گوید ۴۲۳
- در جنگ کردن نقابدار با پسر رستم یک دست در میدان کارزار و آمدن نهنگ دژم ۴۲۷
- در جنگ نقابدار با شمیلاس یک دست و آمدن نهنگ دژم به یاری هزبر بلا و آمدن ۴۲۹
- مناجات کردن زهر آمدن سروش و احوالات رخس گفتن با زال زر گوید ۴۳۱
- صف آراست دیوان در برابر رستم و زال و فرامرز و جهان بخش و میدان داری بیژن با ۴۳۵
- ربودن فولاد آذر بیژن از آب و رسیدن جوان ماه رخسار و کشتن او را و ۴۳۸
- در جنگ کردن جوان رخسار به قهرش چهار دست و چهار سر گوید ۴۴۰
- در انداختن جوان آفتاب طمعت در دست قهرش را و ناپیدا شدن قهرش دیو ۴۴۳
- در برگشتن قهرش دیو از میدان دست گوید ۴۴۴
- آمدن نهنگ دژم به میدان و مقالات او با نقابدار گوید ۴۴۸
- در جنگ نقابدار با نهنگ دژم و رسیدن جوان ابدار لعل پوش گوید ۴۵۱
- در عاشق شدن براقیس جادو به جوان لعل پوش در میدان کار گوید ۴۵۳
- رفتن زَرنِ قبا به شکار و مقدمه او ۴۵۴
- رسیدن زَرنِ قبا به بارگاه دختر خاقان چین ۴۵۷
- سخن گفتن جادو با جوان یاقوت پوش گوید ۴۵۹
- در آمدن هزبر بلا به میدان کارزار و مناظره او با شاه کیخسرو تاجدار ۴۶۲
- نامه نوشتن خاقان چین به نزد پادشاهان و طلبیدن به نزد خود ۴۶۶
- در خواب دیدن جوان یاقوت پوش، فریدون را ۴۷۰
- در کشتن جوان یاقوت پوش، براقیس جادو را ۴۷۱
- رزم ساختن یاقوت پوش با نهنگ دژم و گرفتن او را و فرستادن به نزد کیخسرو تاجدار ۴۷۳

- داستان رستم تاج بخش و فرامرز و جهان بخش و یاران در کوه قاف ۴۷۶
- در مناظره رستم با زال زر در باب ناپیداشدن جوان آفتاب طلعت و ۴۷۷
- داستان در دیدن مهر زَرنِ نقاب، کریمان را و زاری کردن کریمان و گرفتن رخس را گوید .. ۴۸۱
- آوردن کریمان، رخس را به نزد رستم و رزم کردن کریمان با انکوس جادو و ۴۸۳
- داستان در گرفتن و کشتن کریمان، فریلاس دیو را گوید ۴۸۷
- گفتار در کشتن جهان بخش، قهرش چهار سر را ۴۸۹
- در رزم انداختن دیو با گیو سپهبد در میدان کارزار گوید ۴۹۱
- گفتار در جنگ مغلوب و سر راه گرفتن زال و رستم و فرامرز و جهان بخش و ۴۹۳
- در بند کشیدن زال و کشتن دیو را و گرفتاری دیوان به دست یاران گوید ۴۹۶
- در جنگ رستم با عفریت در و اجابت کردن و آمدن سروش و گرفتن رستم، عفریت را ۴۹۸
- آوردن زال، عفریت را به بیست و سه استقبال کردن آصف برخیا زال زر را گوید ۴۹۹
- رسیدن زال و فرامرز به نزد آصف برخیا ۵۰۱
- زنجیر پاره کردن نهنگ دژم و رزم با دلیران سوار شدن شاه با لشکر گوید ۵۰۴
- زخم زدن کیخسرو نهنگ دژم را و ربودن نهنگ خنجر را ۵۰۷
- در زخم زدن فرامرز، نهنگ دژم را و گرفتن شاه را از دست نهنگ دژم گوید ۵۱۱
- مناظره فرامرز با خاقان چین در بارگاه گوید ۵۱۳
- رزم کردن فرامرز با هزبر بلا و رسیدن زال و یاران ۵۱۶
- رزم فرامرز با هزبر بلا و رزم جهان بخش با شیردم بخارایی گوید ۵۱۹
- رزم کردن زَرنِ قبای نامدار با شمیلان یک دست و گرفتن او را گوید ۵۲۱
- جنگ جوان نقابدار با لشکر خاقان چین و گرفتن جوان نقابدار، خاقان چین را ۵۲۳
- سخن گفتن زال در بارگاه کیخسرو ۵۲۵
- زخم خوردن بیژن در جنگ مغلوبه و رسیدن به نزد دختران گوید ۵۲۷
- مناظره کردن بیژن با دختر خاقان چین ۵۳۰
- رسیدن زَرنِ قبای جوان به بارگاه مهرناز دختر خاقان چین گوید ۵۳۲

- ۵۳۴ ملاقات کلال پری با بیژن در بارگاه مهرناز دختر خاقان چین.
- ۵۳۶ در عاشق شدن گلندام چینی به بیژن و آمدن بر سر او.
- ۵۴۰ گفتار در آمدن بیژن به بارگاه کیخسرو و سخن گفتن.
- ۵۴۱ آمدن زال و کیخسرو به بارگاه زَرنِ قبا.
- ۵۴۳ رسیدن کیوان دیو به نزد کیخسرو و احوال گرفتاری زَرنِ قبا را بیان کردن گوید.
- ۵۴۶ در طرح کردن زال زر با زَرنِ قبا نامدار گوید.
- ۵۴۹ در بستن زَرنِ قبا، گلندام چینی را به بیژن گوید.
- ۵۵۱ رفتن شمیلای یک دست به لشکر کیخسرو به خلاص هزبر بلا و خاقان چین گوید.
- ۵۵۳ گفتار در دیدن شمیلای پسر یک دست شبرنگ کیخسرو را.
- ۵۵۵ آمدن شمیلای یک دست به دست و سر بردن پاسبانان را و گرفتن شبرنگ بهزاد.
- ۵۵۷ در شکار رفتن زَرنِ قبا با بیژن و رفتن بیژن از پی گور و گم شدن از نظر زَرنِ قبا.
- ۵۶۰ در جنگ کردن بیژن با خاقان و رفتن بیژن، خاقان را و رسیدن هزبر بلا و خلاص کردن.
- ۵۶۵ رسیدن زَرنِ قبا به لشکر خاقان و گرفتن هزبر بلا را و بند پاره کردن بیژن را گوید.
- ۵۶۸ در آمدن فرشاد به ایلچی گری از پیش خاقان چین به نزد زَرنِ قبا جوان گوید.
- ۵۷۱ گفتار در صف کشیدن هفت لشکر در برابر یکدیگر و جنگ زَرنِ قبا با شیردم.
- ۵۷۳ در جنگ کردن زَرنِ قبا با شیردم بخارایی و گرفتن شیردم را و آمدن ابر آتش فشان و.
- ۵۷۵ در ربودن ابر آتش فشان، زَرنِ قبا را.
- ۵۷۶ در مناجات کردن کیخسرو تاجدار و آمدن سروش و راز گفتن او.
- ۵۸۰ آغاز داستان رستم با کریمان در رفتن به مرز مشرق زمین به گرفتن انگشتر.
- ۵۸۳ رسیدن کاروان به پیش رستم و کریمان و سخن گفتن ایشان.
- ۵۸۶ رسیدن شاه فهرست زَرنِ کلاه در شکارگاه به نزد رستم نام آور گوید.
- ۵۸۸ مجلس آراستن شاه فهرست تاجدار زَرنِ کلاه بر روی رستم نامدار.
- ۵۹۳ رسیدن رستم به سر منزل حورزاد و سخن گفتن به او.
- ۵۹۴ سخن گفتن حور زاد پری با رستم شه نشان.

- رسیدن رستم به دریای اخضر و کشتی طلبیدن از ملّاح پیر و رفتن به جنگ سرخاب گوید. ۵۹۸
- اژدها شدن مادر سرخاب دیو و آتش افشاندن به رستم نامدار. ۶۰۰
- آمدن سرخاب دیو از فلک به جنگ رستم گوید. ۶۰۲
- در مناجات کردن رستم در کوه لعل و آمدن سیمِرخ فرخنده. ۶۰۴
- گفتار سیمِرخ با رستم در کشتن سرخاب دیو ناپاک گوید. ۶۰۸
- در بردن سیمِرخ، رستم را به جنگ سرخاب دیو و گرفتن رخس. ۶۰۹
- در رفتن سیمِرخ با رستم که از جهت راه جنگ جَبّار شاه و صخره دیو ناپاک تن گوید. ۶۱۳
- در شنیدن رستم احوال اژدها را [و] رفتن با کریمان و دریاچه‌بان به دریاچه شهر آچین. ۶۱۷
- رفتن هزبر افکر به جنگ اژدها و فرو بردن اژدها، هزبر را گوید. ۶۱۹
- گفتار در فرمان یافتن کریمان از رستم به جنگ اژدها. ۶۲۰
- در کشتن کریمان، اژدهای شهر آچین را گوید. ۶۲۲
- در برگشتن کریمان از جنگ اژدها و غارتن بدن فتنه زاد گوید. ۶۲۵
- آگاه شدن فتنه از مکر پدر از ریختن دریا و طعم و آیدن و آگاه کردن رستم. ۶۲۷
- در رفتن کریمان به بتخانه و شکستن بتها را و کشتن زدن لات بزرگ. ۶۳۰
- کشته شدن ساقی به دست رستم پیلتن گوید. ۶۳۳
- در آگاه شدن جَبّار شاه از آمدن رستم نامدار گوید. ۶۳۶
- کشته شدن فهرست پسر جَبّار شاه در دست کریمان نامدار. ۶۴۰
- گفتار در کشتن کریمان، شیروی پسر جَبّار شاه را. ۶۴۱
- در گرفتن کریمان بهرام پسر جَبّار شاه را. ۶۴۴
- مسلمان شدن شهزاده بهرام پسر جَبّار شاه به دست رستم نامدار. ۶۴۶
- در نامه نوشتن رستم به جَبّار شاه گوید. ۶۴۹
- دریدن جَبّار شاه نامه رستم را و جنگ بهرام شاه. ۶۵۱
- در مناجات کردن بهرام به درگاه یزدان پاک. ۶۵۳
- مدد آمدن از برای بهرام شاه و آمدن رستم و کریمان به جنگ او. ۶۵۶

- گفتار در آرایش ساز سه لشکر در برابر یکدیگر ۶۵۹
- در نامه نوشتن رستم به نزد صخره دیو و طلبیدن انگشتی سلیمان و جام گیتی‌نما و ... ۶۶۱
- ایلچی‌گری کریمان از جانب رستم به نزد صخره دیو ناپاک تن ۶۶۵
- گفتار در طبل کوفتن رستم پیلتن و آرایش سه لشکر ۶۶۸
- در جنگ مغلوبه کردن رستم با لشکر صخره دیو و پیدا شدن ابر آتش‌فشان و سنگ باریدن ۶۷۰
- در ملاقات پیرمغ در باب رستم نامدار گوید ۶۷۳
- در ساختن مهر زَرنِ نقاب با کریمان و صحبت داشتن ۶۷۷
- مناظره کردن صخره با دیوان و جنگ کردن کریمان با مرجان ۶۸۰
- شکست داد رستم لشکر جبار شاه را و سر راه گرفتن به صخره دیو گوید ۶۸۲
- در گرفتن کریمان جبار شاه را و سپهر کردن و زدن به لشکر جبار شاه گوید ۶۸۴
- انداختن صخره انگشتی سلیمان به دریا و بیرون آوردن رستم، صخره را و ۶۸۶
- درخواست کردن مهر زَرنِ نقاب از پادشاه که فتنه را به ایران برد ۶۸۹
- روانه شدن شاهان به جانب بیت انوشیروان گوید ۶۹۰
- در یافتن حضرت سلیمان انگشتی را و بر تخت نشستن او گوید ۶۹۴
- در آگاهی یافتن حضرت سلیمان از آمدن رستم زال زود ۶۹۶
- آغاز داستان آمدن رستم و پذیره شدن لشکر سلیمان ۶۹۹
- آمدن رستم به بارگاه حضرت سلیمان و آوردن صخره دیو گوید ۷۰۳
- در خلاص کردن رستم عفریت را و کشتی گرفتن در بارگاه سلیمان با ۷۰۴
- آمدن جبرئیل علیه‌السلام به نزد حضرت سلیمان گوید ۷۰۶
- درخواست کردن رستم از سلیمان در رفتن به دشت ری گوید ۷۰۹
- احوال پرسیدن رستم از سلیمان پیغمبر که زَرنِ قبا کیست و جواب دادن او را ۷۱۱
- رفتن زال و بیژن به خلاصی زَرنِ قبا و رفتن بیژن از پی گور و آمدن به بارگاه سراقه جادو ۷۱۵
- حکم کردن خاقان قتل بیژن را و آمدن سراقه و مانع شدن ۷۱۷
- گرفتار شدن بیژن به دست سراقه جادو و سرگردان شدن زال در صحرا از دنبال بیژن ۷۱۹

- در ربودن سراقه جادو زَرن قبا و بیژن را از تخت و بردن که به دریا اندازد ۷۲۲
- مقالات سراقه جادو با بیژن و زَرن قبا نامدار گوید ۷۲۵
- دریده کردن سراقه جادو ایرانیان را و در زیر برف نهان کردن و آگاه شدن دو نقابدار و ۷۲۷
- سر راه گرفتن نقابداران بر لشکر خاقان چین و نمودار شدن گرد و آمدن زادشم ۷۳۰
- گفتار در جنگ نقابدار با زادشم و شکستن زادشم ران و زانوی او را و شکستن نقابدار ۷۳۷
- میدار اری نقابدار با شمیلاس یک دست ۷۴۰
- گشتن نقابدار شمیلاس را و فرستادن به خدمت شاه کیخسرو ۷۴۲
- برگشتن کردان از میان رفتن جهان بخش و تمور به جنگ جادو ۷۴۵
- آمدن جهان بخش به میان کوه و رسیدن نقابدار و جنگ کردن با جهان بخش ۷۴۷
- رفتن تمور با سهم دیگر در میان جهان بخش به جنگ سراقه جادو گوید ۷۴۹
- انداختن تمور، یک دست سراقه جادو را و برطرف شدن برف و سرما گوید ۷۵۵
- رفتن خاقان و سغلاب روم و پیچال راه و بزرگان به لشکر کهیلان عادی گوید ۷۵۹
- مقالات شماس یزدان پرست با خاقان چین ۷۶۴
- راز گفتن پیر شماس یزدان پرست با بهرام نوید ۷۶۸
- آوردن یزدان پرست بهرام را بسته به بارگاه خاقان چین و مقالات او با پیر ۷۷۳
- آمدن سیه دیو به خلاصی یاران به بارگاه خاقان چین و رفتن خاقان پیر یزدان پرست و ۷۷۶
- بیرون آمدن هزبر بلا از لشکر و رفتن به خلاصی پسر یک دست و ۷۸۰
- صف کشیدن نه لشکر در برابر یکدیگر و پیدا شدن گرد و بیرون آمدن خاقان پیر از گرد و ۷۸۳
- در جنگ کردن جهان بخش با نهنگ دژم و کشته شدن پیل نهنگ دژم و زخم خوردن ز ۷۸۹
- سر راه گرفتن زادشم به آن نقابدار و دور شدن نقاب از روی او و عاشق شدن زادشم ۷۹۳
- رزم کردن تمور با مهراس عادی در پای شمیلاس پسر یک دست ۷۹۶
- در جنگ کردن تمور با مهراس عادی و شکستن تمور او را و زخم خوردن تمور از ۷۹۹
- رفتن جهان بخش با زنگی زوش به لشکر عادیان به خلاصی سیه دیو و یاران ۸۰۲
- بی هوش کردن زنگی زوش پیر را و خلاص کردن یاران را ۸۰۵

- ۸۰۹ ربودن شماس یزدان پرست زواره برادر رستم را با شمیلای و بردن از بارگاه کیخسرو گوید
- ۸۱۱ گفتار در صف کشیدن هشت لشکر در برابر یکدیگر
- ۸۱۴ اُشتلم کردن زادشم در میدان کارزار و مناظره او با کیخسرو
- ۸۱۶ اراده کردن کیخسرو رزم زادشم را و مانع شدن زال و آمدن نقابدار به میدان کارزار
- ۸۱۹ میدان داری قمر طلعت مه رخ با زادشم
- ۸۲۴ گفتار و گرفتن قمر طلعت زادشم را گوید
- ۸۲۷ در حواله امور و زخم خوردن و از میان لشکر به در رفتن
- ۸۳۰ مقالات تمور با زال و شاه گوید
- ۸۳۳ در خواب دیدن تمور پادشاهان کیان و نیاکان خود را
- ۸۳۷ پیدا شدن فریلاس دیو و جنگ و شکست دیو و گرفتاری او
- ۸۴۵ آمدن تمور با الوند و با فریلاس دیو به دشت ری گوید
- ۸۵۰ مقالات زال بن سام بن نریمان با سیمرغ
- ۸۵۲ آمدن نهنگ دژم با شیردم به خلاصی فریلاس و زادشم پسر افراسیاب ترک
- ۸۵۶ خبردار شدن فرامرز از خلاصی هزیربلا و رفتن به جنگ ایشان گوید
- ۸۶۰ جنگ زادشم پسر افراسیاب و آمدن مهراس عادی و عادیان
- ۸۶۵ جنگ مهراس عادی در قلب لشکر کیخسرو با گودرز و قارن را گوید
- ۸۶۷ جنگ کردن قارن به قلب لشکر کیخسرو با مهراس عادی و ستن بل را
- ۸۷۱ جنگ فریلاس دیو با زادشم و گرفتن او را
- ۸۷۴ در کشتی گرفتن فرامرز با هزیربلا و گرفتن فرامرز او را
- ۸۷۸ آمدن کللال پری به خدمت کیخسرو و آوردن نامه دختر خاقان چین از جهت خلاصی
- ۸۸۱ رفتن زال با فریلاس دیو به طلسم کهران به خلاصی زربین قبا با بیژن
- ۸۸۶ در کندن فریلاس دیو درخت را و یافتن زال، لوح را و گشودن آن طلسم را گوید
- ۸۸۹ آمدن زال در آن خانه و دیدن بزم آراسته
- ۸۹۳ آمدن زال در باغ و سخن گفتن پری زاد با او

- گفتار در شکار کردن زال در کنار سرچشمه در طلسم کمهران ۸۹۷
- گفتار در کشتن زال ازدهای شهر طلسم را گوید ۹۰۱
- گفتار در جنگ فریلاس دیو با کمهران دیو گوید ۹۰۵
- در کشتی گرفتن فریلاس دیو با کمهران دیو و افتادن لوح از کش فریلاس و بلند شدن ۹۰۷
- گفتار در فرو بردن ازدهای شهر فریلاس، دیو را ۹۱۲
- در مناجات کردن زال در طلسم و آمدن سیمرغ فرخنده ۹۱۶
- گفتار در بردن زال در طلسم به دختر جادو ۹۱۹
- گفتار در کشتن فریلاس دیو، کمهران دیو را گوید ۹۲۱
- گفتار در دیدن زار بن سیمین نریمان کیامرث را در دخمه ۹۲۳
- گفتار در بیرون آمدن زال از طلسم گوید ۹۲۸
- گفتار در آمدن پیر یزدان پیر به نزد کیخسرو به خلاصی هزیر بلا با نهنگ دژم و ۹۳۱
- آمدن هزیر بلا و نهنگ دژم بر سر راه زال از پی گنج طلسم ۹۳۶
- در آمدن زادشم بر سر راه زال از پی گنج طلسم ۹۳۹
- در گرفتن جهان بخش، نهنگ دژم را ۹۴۶
- در گرفتن زادشم، زر و گنج را و به در بردن ۹۴۹
- در آمدن تمور بر سر زادشم و گنج طلسم را به مهراس عادی داد و آمدن نقابدار ۹۵۲
- در شکستن نقابدار یاقوت پوش بازوی مهراس را و زر را از او گرفتن ۹۵۶
- در طبل زدن خاقان چین و اراده کردن شیردم و میدان داری او ۹۵۹
- در آمدن شماس یزدان پرست و آوردن زر و گنج را [و] خبر آوردن مه روند به شاه ۹۶۱
- گفتار در جنگ زربین قبا با پیر و کشتن پیر را با شمشیر طلسمی و کشتن جهان بخش ۹۶۲
- در آوردن زال و گردان، گنج طلسم را به نزد کیخسرو و بخشیدن شاه به سالاران ۹۶۵
- سخن گفتن شاه با زال از جهت طلسم کمهران کمهر ۹۷۰
- زخم خوردن یاقوت پوش از کهیلان عادی که گنج را از او گرفت و بی‌هوش شدن و ۹۷۶
- گفتار در تلاش کردن یاقوت پوش با حورانه دختر حمیران عرب و او را بر زمین زدن ۹۸۰

- در طلایه‌داری بهرام‌بن بهرام و آمدن پیل آتش فشان به لشکر شاه و خلاص کرد نهنگ دژم ... ۹۸۴
- در خلاص کردن پیل آتش فشان هزیر بلا و نهنگ دژم را و مانع شدن زال، سالاران را در ۹۸۸
- در جنگ حورانه با زرّین قبا و گرفتاری او به دست زرّین قبا گوید ۹۹۱
- در رسیدن گرشاسب ثانی و گرفتن کیوان دیو را و خلاص کردن حورانه بانو را و گرفتن ... ۹۹۶
- گفتار در آمدن زرّین قبا به لشکرو گریه کردن گلندام چینی از جهت بیژن و رفتن ... ۱۰۰۱
- در لشکر کردن هلال پری و خلاص کردن بیژن و اهرمن و بردن گرشاسب و حورانه را با ... ۱۰۰۷
- در زدن پاره کردن گرشاسب در بارگاه زرّین قبا و پیغاره گفتن به زرّین قبا و حورانه و ... ۱۰۱۱
- در پیل جنگ گرشاسب ثانی و میدان داری او با زرّین قبا در میدان کارزار و آمدن ... ۱۰۱۶
- گفتار در آمدن زال به نام که از پیش سلیمان بیرون آمد و خواب دیدن و رفتن به سیستان ... ۱۰۱۹
- گفتار در آمدن بهاران به به زابل و دیدن دیده‌بان و خبر آوردن به نزد رودابه بانو گوید ۱۰۲۲
- در بیرون آمدن بانو گوید به از بیرون و شبیخون زدن به عربان ۱۰۲۵
- در جنگ بهاران عرب با بانو شش ۱۰۲۹
- در جنگ طلوع شجر با آذر بانو در رستم پیلتن زخم زدن آذر بانو زنگی را و ۱۰۳۲
- گفتار در جنگ انداختن بهاران عرب به زابل ۱۰۳۶
- گفتار در مناجات کردن خورشید به درگاه یزدان پاک و رسیدن رستم تاج بخش با ... ۱۰۴۰
- در کشتن رستم کامیاب، طلوع شجر را ۱۰۴۲
- گفتار در کشتن نقاب‌دار، بهاران عرب را ۱۰۴۸
- در ملاقات جوان نقابدار با رستم نامدار گوید ۱۰۵۴
- رزم ساختن رستم با نقابدار گوید ۱۰۵۸
- گفتار در رفتن پیلتن به بارگاه جوان نقابدار ۱۰۶۰
- آغاز داستان هشت لشکر و مقدمه ایشان گوید ۱۰۶۴
- گفتار در آمدن زال و کیخسرو به میدان گرشاسب و زرّین قبا [و] از هم جدا کردن ۱۰۶۸
- در آمدن نقابدار از سیستان و آوردن کریمان در زیر بند ۱۰۷۱
- در آمدن زال با جهان بخش به بارگاه نقابدار به خلاصی کریمان ۱۰۷۶

- در صف کشیدن هشت لشکر و جنگ جهان بخش دلیر با نقابدار گوید. ۱۰۸۰
- در جنگ کردن نقابدار با جهان بخش دو شبانه روز و رسیدن رستم از سیستان ۱۰۸۵
- در جدا کردن رستم آن دو جنگی را از هم و آمدن به خدمت شاه کیخسرو تاجدار ۱۰۸۹
- در آمدن ملیحه و نشان حورانه آوردن و گرشاسب را بردن پیش لشکر پدرش ۱۰۹۱
- در سخن گفتن ابلیس در تمثال بت به سمرا و سمرا خبر کردن حمیران را از ۱۰۹۵
- گفتار سخن گفتن حمیران با سمن ناز در گرفتن گرشاسب و دختر او را و ۱۰۹۷
- در سخن گفتن سمن ناز به گرشاسب و راز پادشاه گفتن و سوار شدن گرشاسب ۱۱۰۱
- سیر راه رفتن طلایه بان به گرشاسب و نازنینان و آگاه شدن حمیران عرب و ۱۱۰۵
- در سیر راه گرفتن مار و آمدن گرشاسب و آمدن شمس پری زاد و آوردن شمس ۱۱۰۷
- در آمدن شمیلا سبک دشت به جنگ گرشاسب و نازنینان گوید ۱۱۱۰
- در آمدن نهنگ دژم با صد کس به جنگ گرشاسب و نازنینان ۱۱۱۲
- آمدن تموربن برزوی با فریلا س دیو و مدد شیردم بخارایی با زادشم ۱۱۱۴
- در خبر آوردن مه روند به پیش زال و رفتن زال به جنگ جادو گوید. ۱۱۱۸
- رفتن زال به جنگ جادو و رفتن مهر زربین نقاب دار اسلم شاه پری با دو کنیز ۱۱۱۹
- در سخن گفتن مهر زربین نقاب در عقب خیمه و زنی را با کریمان و آمدن دختر ... ۱۱۲۱
- در آمدن نهنگ دژم و شیردم به جنگ زال و رسیدن نقاب دار و سرکندن کریمان، نهنگ دژم را و کشتن نقابدار، شیردم را ۱۱۲۹
- گفتار در آمدن زال به جنگ جادو و آتش پاشیدن سمرا، سیه دیو را و ۱۱۳۳
- آغاز داستان هفت منظر گوید ۱۱۳۶
- در مهلت خواستن خاقان از کیخسرو و مهلت دادن ۱۱۳۶
- در رفتن جهان بخش با گرشاسب به شکار و بردن آهو گرشاسب را به هفت منظر ۱۱۴۰
- در سخن گفتن گرشاسب در هفت منظر با سیماب جادو از مقدمه آهو ۱۱۴۳
- در آمدن آهو به شکل پری زاد به خدمت گرشاسب و اظهار عشق گوید. ۱۱۴۶
- در زاری کردن قمر طلعت از جهت گرشاسب و جهان بخش او را دلداری دادن گوید ۱۱۴۷

- آمدن جادو و بردن زَربین قبا را در هفت منظر گوید ۱۱۵۱
- در ملاقات دختر خاقان چین با بیژن از جهت زَربین قبا ی جوان گوید ۱۱۵۴
- در گرفتن زادشم پسر افراسیاب بیژن را در شکارگاه ۱۱۵۶
- در رزم کردن جهان بخش نامدار با زادشم ترک و بردن یا زور ترک، بیژن چنین گوید ۱۱۵۹
- در رزم بانو گشسب با یاروز ترک و کشتن او را و خلاص نمودن بیژن را ۱۱۶۳
- آمدن پیر دقان به درگاه کیخسرو و شکایت کردن از پلنگ و فرستادن شاه کیخسرو ۱۱۶۵
- آمدن کریمان با پلنگ و فراز نمودن پلنگ و رفتن کریمان از عقب پلنگ و ۱۱۶۸
- سرگردان ماندن پیر دقان در بیابان و برخوردن به چوپان و رفتن به ایل خانه طفیل ۱۱۷۱
- در ماندن کریمان در منزل خانه طفیل و در خواب شدن و دیدن صبح خود را در ۱۱۷۶
- خبر آوردن دلاوران کریمان به جهت کیخسرو از کریمان و آمدن مه روند به خدمت ۱۱۷۸
- فرستادن شاه کیخسرو و زور شکار را از پی سمن خان فغفور و احوالات ایشان گوید ۱۱۸۰
- خبردار شدن سمن خان از آمدن تمور و رفتن به هفت منظر و بردن زر و گنج را و ۱۱۸۵
- رفتن تمور از عقب سمن خان و آمدن به هفت منظر و برخوردن به سیماب جادو و ۱۱۸۷
- آمدن جوان نقابدار در بارگاه کیخسرو و ادعای آوردن از رستم نامدار صندلی و ۱۱۹۴
- رفتن جهان بخش و سام از عقب دلاوران و گردیدن در بیابان و رفتن به کوه دماوند ۱۱۹۷
- برخوردن جهان بخش در بیابان به پیر جادوگر و پیدایش شدن سرخ کش فشان و افتادن ۱۲۰۲
- مناجات نمودن شاه کیخسرو به درگاه یزدان پاک و آمدن سرور و ۱۲۰۷
- اذن خواستن رستم نامدار از شاه و رفتن به کوه دماوند و بردن دختر سیماب گشسب ۱۲۰۹
- در رسیدن رستم به خدمت برهان عابد و گرفتن طلسمات اسم اعظم را به ۱۲۱۴
- رسیدن رستم در هفت منظر به خانه قمر که از فلزات نقره بدو منسوب است ۱۲۱۷
- رسیدن رستم در هفت منظر به خانه عطارد که از فلزات سیماب بدو منسوب است ۱۲۲۰
- رفتن رستم در هفت منظر به خانه زهره که از فلزات نحاس بدو منسوب است ۱۲۲۲
- رفتن رستم به هفت منظر در خانه آفتاب که از فلزات طلا بدو منسوب است ۱۲۲۴
- رفتن رستم به خانه مریخ در هفت منظر که از فلزات حدید بر او منسوب است ۱۲۲۸

- رفتن رستم در هفت منظر به خانه مشتری که از فلزات ارزیر بدو منسوب است ۱۲۳۰
- رفتن رستم به خانه زحل در هفت منظر که از فلزات اسرب بدو منسوب است ۱۲۳۳
- آمدن رستم به مجلس سیماب جادو و کشتن او را و رهانیدن پهلوانان را گوید ۱۲۳۷
- در خواب دیدن زال، سام را و فرستادن گیو را با ده هزار کس پیش رستم به آوردن زر و ... ۱۲۳۹
- زاری کردن لشکر در پیش کیخسرو از رزم مهراس عاد و رسیدن مهراس و اراده ... ۱۲۴۵
- رسیدن نقابی جوان و جنگ کردن با مهراس عاد و کشته شدن مهراس به دست ۱۲۴۸
- بیدار نمودن شمیلای یک دست با پهلوانان ایران در قلب سپاه کیخسرو و مناجات ۱۲۵۰
- در جنگ کردن فراس با زادشم با دست شکسته و زاری جوانان و رسیدن رستم با ۱۲۵۲
- در گرفتن رستم با جیخشم شمیلای یک دست را گوید ۱۲۵۵
- در رزم نمودن گرگشای یک دست با زادشم پسر افراسیاب و کشتن او را گوید ۱۲۵۷
- در رزم کردن جهان بخش ابرو بر رستم گرفتن او را گوید ۱۲۶۰
- در گرفتن زرین قبا، خاقان چین را گوید ۱۲۶۳
- توضیحات ۱۲۷۳
- فهرست نام کسان ۱۳۵۹
- فهرست نام جای‌ها ۱۳۷۵
- فهرست لغات و ترکیبات ۱۳۸۰
- منابع ۱۴۲۱

به نام خداوند جان و خرد

یادداشت آغازین

اگر مبنای رسانه‌های آغازین توجه رسمی و علمی به ادب حماسی پس از شاهنامه (منظومه‌ها و متون پهلوانی، دینی، مذهبی و تاریخی بعد از فردوسی) را چاپ کتاب حماسه‌سرایی در ایران (اثر سادون دکتر ذبیح‌الله صفا) در سال (۱۳۲۴ ه.ش) بدانیم، کارنامه پژوهشهای حماسی در معیار کتابها و مقالات مربوط به آثار پس از / غیر از شاهنامه فردوسی در این هفتاد سال هم‌برگ است. زیرا هنوز همه متون منظوم و متون پهلوانی، دینی - مذهبی و تاریخی پیرو شاهنامه به صورت علمی - انتقادی منتشر نشده و شماری از آثار چاپ شده پیشین نیز به لایله نیازمند تصحیح و تحقیق دوباره است، تعداد محققان متخصص در حوزه ادب حماسی بسیار اندک بوده / هست و در تحقیقات، ترجمه‌ها و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی این نوع ادبی و جوانب گوناگون مرتبط با آن در سنجش با موضوعات و زمینه‌های دیگر فرهنگ و ادب ایران مغفول واقع شده است.

بنابراین ملاحظات و به منظور تأکید بر اهمیت و ضرورت مطالعات حماسی را نیز منسجم‌تر شدن این گونه پژوهشهای تخصصی، طرح «مجموعه متون و تحقیقات حماسی» برای چاپ تصحیحات، پژوهشها و ترجمه‌های علمی، روشمند و برجسته مربوط به این حوزه درباره شاهنامه و آثار و موضوعات بعد از آن در سلسله انتشارات نامدار و معتبر سخن پیشنهاد شد و پس از مشورت با دوست دانشمند و محقق، جناب آقای دکتر محمد افشین‌وفایی - که در کارهای مربوط به نشر سخن همواره یار و پشتیبان

به نام خداوند جان و خرد

مقدمه

شاهنامه ایرانی، صافی و داستان‌گزاری از آثاری مانند حمزه‌نامه / رموز حمزه و... در دوره صفویان - که اقبال عمومی را هم در پی داشت^۱ و یکی از اصلی‌ترین سرگرمی‌های مردم به شمار می‌رفت - مورد توجه بود. سبب می‌شد که قصه‌گویان به تأثیر از شرایط زمان به ایجاد و تدوین داستانهای متنوع و به نظم این‌گونه روایات اقدام کنند. از همین روی بخشی از مهم‌ترین آثارِ رواییِ شاهنامه، منشو پهلوانی، غنایی، مذهبی، تاریخی، پهلوانی - عاشقانه (رُمانس) و... ادب ایران از این اثر به یادگار مانده است. برخی از این آثار عبرت است از: طومار نقالی شاهنامه (تألیف ۱۱۰۵ ه.ق.)،^۲ منظومه رستم‌نامه،^۳ اسکندرنامه منشور جدید،^۴ قصه حسین کرد،^۵ بخش‌های نثر برزوانه،^۶ سام‌نامه^۷ و...^۸

۱. در این باره، رک: صفا، ذبیح‌الله؛ «اشاره‌ای کوتاه به داستان‌گزاری در داستان‌های ایران از دوران صفوی»، کلک، صص ۱۶-۹؛ عاشورپور، صادق؛ نمایش‌های ایرانی، ج ۴، صص ۲۳۹-۲۲۳؛ «سین»؛ «شاهنامه‌خوانی»، هنر و مردم، صص ۱۴-۱۲؛ نجم، سهیلا؛ هنر نقالی در ایران، صص ۷۳-۸۸.
۲. رک: طومار نقالی شاهنامه، مقدمه، تصحیح و توضیحات: سجّاد آیدنلو، تهران، بهنگار ۳۹.
۳. رک: رستم‌نامه، اثر سراینده‌ای ناشناس، به کوشش سجّاد آیدنلو، تهران، مرکز پژوهش‌های معاصر، ۱۳۸۷.

۴. رک: محبوب، محمدجعفر؛ «اسکندرنامه»، ادبیات عالیانه ایران، ج ۱، ص ۳۵۰.

۵. رک: قصه حسین کرد شستری، صص ۲۲-۱۸.

۶. رک: کوسج، شمس‌الدین محمد؛ برزوانه، صص بیست و هشت مقدمه؛ نحوی، اکبر؛ «ناگفته‌هایی درباره برزوانه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۳۷۴-۳۸۲.

۷. رک: عابدی، محمود؛ «سام‌نامه»، گوینده، زمان و حوزه پدید آمدن آن، ارج‌نامه ذبیح‌الله صفا، صص ۴۸۵-۵۴؛ محمدزاده، سیدعبّاس و وحید رویانی؛ «سام‌نامه از کیست؟»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۵۹-۱۷۶.

وحدت سیاسی، مذهبی، ملی و ثبات اقتصادی و آرامش نسبی ناشی از این دستاوردها مخصوصاً در دوران شاه عباس اول (بزرگ)^۱ و نیز توجه ضمنی به عناصر ملی و مذهبی در بعضی داستانهای متداول این زمان، علل اصلی گسترش داستان‌گزاری و علاقه عموم مردم به آن بوده است. بر اثر رواج سنت قصه‌خوانی و علاقه همگانی به شنیدن داستان به ویژه دلبستگی باطنی ایرانیان به شاهنامه و یلان و شهریاران آن و بر همه رستم، راوین و داستان‌پردازان و ناظران در کنار داستانهای مذهبی، تاریخی و غنای به آفریدن، تدوین و نظم روایات ملی - پهلوانی ایران با توجه مخصوص به رستم و پهلوانان خاندان او پرداختند که نتیجه آن به وجود آمدن روایات و طومارهای نقالی و منظومه‌ای یا شورجی درباره دلاوران سیستانی است. داستانهایی که زمان و مکان و اشخاص آنها عمدتاً همان ادوار باستانی، جغرافیای جهان شاهنامه و شهریاران و یلان آن است اما محتوا و روایات ساخته و پرداخته ذهن ناقلان و ناظران. از این راه داستانهای متعدد و پررنگ و برخی بر مجموعه اخبار پهلوانی ایران و چرخه روایات رستم و پهلوانان سیستان افزوده شده به در مقایسه با شاهنامه و منظومه‌هایی نظیر گرشاسپ‌نامه، کوش‌نامه و بهمن‌نامه «تأخر» و «عامیانگی» در ساختار و بیان دو شاخصه اصلی آنهاست.

مراد از «تأخر» در این بحث کاملاً روشن است ولی درباره «عامیانگی» این توضیح را باید افزود که داستانهای شاهنامه و برخی منظومه‌های اصلی و کهن پس از آن به اعتبار اینکه اصل منشور آنها پرداخته ذهن و زیان و پسندهای ایرانیان باستان است «عامیانه» در معنای «مردمی، مردم ساخته و مردم‌پسند» محسوب می‌شود و از این جهت این روایات، استناد آنها بر مآخذ مکتوب کهن و تدوین منظومشان در قالب‌های عامیانه، خیم موجب می‌شود که «عامیانه» در معنایی که بر منظومه‌های عصر صفوی پس از آن که اطلاق می‌شود برای شاهنامه و چند منظومه دیگر به کار برده نشود. آثار عامیانه (منظوم و منشور) روزگار صفویان و بعد از آن، بیشتر آفریده خیال داستان‌گزاران این دوره - غالباً

۱. برای دیدن نام آثار منظوم و منشور دیگر، رک: صفاء، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱/۵، صص ۶۰۲-۵۹۳؛ ج ۳/۵، صص ۱۵۱۱-۱۵۴۷.

۱. برای اشاره‌ای در این باره، رک: همان، ج ۱/۵، ص ۸۳.

بدون سابقهٔ مکتوب و کهن - است و به لحاظ بیانی خصوصیات سبک نقالی در آنها آشکارا نمایان است حتی اگر موضوع منظومه‌ها پهلوانی باشد و در زبان از شاهنامه تقلید بکنند.

زرین‌قبنامه یکی از این منظومه‌های پهلوانی نقالی - عامیانهٔ دورهٔ صفوی است که تا پیش از تصحیح و چاپ آن ظاهراً فقط یک بار - آن هم بی ذکر نام - در کتاب سیمرغ در قلمرو فرهنگ ایران، تألیف دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی مورد توجه قرار گرفته است. ایشان در بخش «سیمرغ چاره‌گر حماسه‌ها» پس از بررسی نقش و حضور سیمرغ در شاهنامه، کرشاسپ‌نامه و فرامرزنامه نوشته‌اند «در یک نسخهٔ دستنویس نسبتاً کهنه که محمدحسن سیدمیرزا انشجوی مدرسهٔ عالی ادبیات و زبانهای خارجی در اختیار من نهادند، داستان سیمرغ و خاندان زال با طول و تفصیل بسیار آمده و با عناصر اساطیری اسلام درآمیخته و بخشی از داستان را بنیاد نهاده است. متأسفانه این کتاب از اول و آخر مقداری افتادگی دارد و نمی‌توان دانست که چه نام دارد اما هرچه هست حماسه‌ای است دینی که عناصر ملی و دینی با نام درآمیخته است. بخشی از این کتاب شرح جنگهای فرامرز و رستم و دیگران است و دیوان رستم که بالاخره رستم در طلسم دیوان گرفتار می‌ماند و پهلوانان برای رهایی می‌روند». ایشان سپس به حضور سیمرغ در این منظومه اشاره کرده و در پایان نتیجه گرفته‌اند «این داستان از لحاظ شخصیت سیمرغ نکته‌ای تازه را در بر ندارد و ظاهراً همهٔ تقابل‌های حماسه‌های دیگر است اما از لحاظ بودن رستم در دربار سلیمان و رفتن به عطار و کوه دماوند و کاملاً رنگ اسلامی به خود گرفته است»^۱.

در این توضیحات، نسبتاً کهنه خوانده شدن نسخهٔ منظومه - به چندین دلیل - بخش معرفی دست‌نویسها خواهد آمد. احتمالاً همان نسخهٔ اول کتابخانهٔ مجلس (در کاشان اختصاری (م) در تصحیح حاضر) است - و نیز اطلاق حماسهٔ دینی بر آن دقیق و درست نیست.

۱. سلطانی گرد فرامرزی، علی؛ سیمرغ در قلمرو فرهنگ ایران، صص ۶۶ و ۶۷.

نام منظومه

در نسخهٔ اساس تصحیح این منظومه که متعلق به کتابخانهٔ ملی است، یک بار در سرنویس آغازین برگ نخست و بار دیگر در ترقیمه / انجامه، اثر «شاهنامهٔ حکیم اسدی» نامیده شده است. در دست‌نویسِ اوّل کتابخانهٔ مجلس به دلیل افتادگی آغاز نسخه نام منظومه به خط کاتب نیامده است اما مالکان و فهرست‌نویسان در برگهای نخست آن را «داستانهای رستم و سلیمان» و «گرشاسپ‌نامه و کریمان‌نامه و رستم‌نامه» نامیده‌اند و دکتر حسین مفتاح، صاحب نسخه، در نوشته‌ای با امضای خویش در آغاز و پایان دست‌نویس، منظومه را «رستم و سلیمان» خوانده است. در فهرستهای کتابخانهٔ مجلس برگ اوّل نیز نام آن را «نریمان‌نامه» نوشته‌اند، در دست‌نویس دوم کتابخانهٔ مجلس نیز در سرنویس برگ اوّل، نام کتاب «زرین قباي هفت لشکر مین شاهنامه مین کلام حکیم اسدی رحمت الله علیه» وارد ترقیمه «کتاب زرین قباي حکیم اسدی طوسی استاد فردوسی» نوشته شده است.

همان‌گونه که در بخش «سرنوید منظومه» اشاره خواهد شد این اثر هیچ ربطی به اسدی توسی، شاعر و فرهنگ‌نویس نادرتهای صاحب گرشاسپ‌نامه و لغت فرس ندارد و آمدن نام او در هر سه نسخهٔ منظومه انحصاراً با انتساب شاهنامه بدو در دو نسخه بسیار عجیب است ولی دربارهٔ «شاهنامه» نامید شدن منظومه در دست‌نویس اصلی آن می‌توان حدس زد که شاید کاتب این نسخه - و به تبع آن اسدی - که این اثر را «شاهنامه» خوانده و پنداشته‌اند - از «شاهنامه» معنای عام کتابی دربارهٔ قباي ملی بهلوانی و تاریخی را در نظر داشته‌اند نه معنای خاص لفظ را که ویژه اثر فردوسی است. این معنای کلی برای «شاهنامه» پس از سرایش و شهرت حماسهٔ ملی ایران متداول شده و در ترکیباتی مانند: شاهنامهٔ هاتقی، شاهنامهٔ بهشتی، شاهنامهٔ صادقی، شاهنامهٔ حیرتی، شاهنامهٔ نادری، شاهنامهٔ حقیقت، شاهنامهٔ نوبخت، شاهنامهٔ اسلام، شاهنامهٔ امام حسین (ع)، شاهنامهٔ کربلا، شاهنامهٔ سلطان سلیم، شاهنامهٔ عارف، شاهنامهٔ ترک و... به کرات دیده می‌شود.^۱ بر همین اساس نامحتمل نمی‌نماید که در «شاهنامهٔ حکیم اسدی» و «شاهنامه مین کلام

۱. در این باره، رک: آیدنلو، سجّاد؛ دفتر خسروان، صص ۱۴۰ و ۱۴۱؛ متینی، جلال؛ «در معنی شاهنامه»، ایران‌شناسی، صص ۷۵۰ و ۷۵۱.